

خلاصه اخبار شهرستانها

شہسوار، فای احسان بازرس
هالی بنگاه جنکلها چه رسید کی یامور
جنکلها نی وارد شد و در میت اقای همین س
بنچار سر جنکلها او شہسوار و نوشر
بوزه های تابه خود کردند تا پوش
مامورین خاطر رسید کی نمایند.

ز آنها زندگانی پندرز قتل، قله اند
دانه برازی می اختلط با اتو میل
خود بر شاپنگ زندگانی ابراهیم حال تصادف
نوده بای رضاقطم کردند.

قرار گرفت و راننده دستگیر شد.



چهار غار آن مردم خصوصاً کسی را نداشت
کرده است.

شاھر و چندروز قبل مسافری

که از مشهد عازم تهران بود بشهر یانی
مرا جمه ورد و گفت پنهانی در شهر باز
شدن جیم در کاراچی سبقت شده،
بالا صله مادرین در تدقیب صادق

بر آمدند وس از ساعت او را دستگیر

نوده دین این انتظام پروردند هنرجه
با ظهار کننده تسیم شد و متمم بدادرسا

تعویل کردند.

ساده ۵- بازمان همکری پهادشت

ساوه اطلاع رسید در قریه امیرآباد

جوده چفر ایساده بیماری حسبه شام

ش بویی رشکان بس اذور و دفعه خون

ع نژاد آذماش کردند و بیماری حبه

مشاهده شدند و قم گرانی اهلی نزد

اعصفهان- آقای مو جی دیس

کار خانه بشباب اصفهان از کار بی کار

شدوای مهندس رضا ای براست

کار خانه کرد و منصب و مشغول کارش

هالیار آقای کنربود امنتمن

اداره ۵- ورزی استان بضم و اددش

وی ۱۵ عدد تهم مرغ از نزد خادمی

دار درسترس مردادان قرار گردید

ضمناً از ارادت مردم اصلاح را در کومند

تمددی قوق هرینوس سلایر پیاوود

گم همسار طی مراسی چند و دو

قبل شهر مانی گرمان افتتاح شد و آقای

سروان افسار دین شهر بانی با بن مناسب

نطه ایجاد کرد.

داههان- آقای سرهنگ قیادی

وس کرد ذماني که برای بازرسی وارد

شد و بند طرف پیکنکه (نامت خود

دو امامان بامور گروهان قیاده شد و متمم

رسید لی کردند و چند و دن قبل پنر اک

علی بست کن، ند

کرهان- هفت گذته تیسوار

میمهد آقای لی مدیر عامل بالک سه

بنظه سر کشی از داده شد و از شبهه

بانک ۵- داین شهرستان بازدید کرد

گیتا دکتر گولی

آخرین دسته مشتریان کارل بی خادج شدند و مسیو کارل و خانش طبق معمول

دو هاسته شد زن و شوهر حساب بخر و دخل را کردند و خواب فروختند ولی دنیا الباب

شید و متواں هر دو را سراسیه بطری فرستاد. صد اخیلی مضری بانه و غیر منتظر بود

- خان کارل باعضاً بسته بفیاضه که از طرف این شیخ مبالغی بول برداخته و

طی شکایتی که بیک از مقامات صلاحیتدار نموده عظام کردند است.

بی هم فروش لباس نظامی بازداشت شد

هدتی بود شخصی بنام علی اصغر فتحی تمداد چند دست لباس نظامی

در مثول مکبه ای میکرد و خود را بیانکاری کرد که کان معرفی می نمود

چریان از طرف اداره قیاده شدند و متمم دست لباس نظامی

که کان کرد از داده شد و مادرین دن دم باقیان نیانه داده و فرماید

هناک بیزول مشاور ای رفته و بسته بوردا خانه داشتند و تمداد چند دست لباس نظامی

کشف کردند و فناور دایاده ای که کان معرفی نمودند و قبیله ای از طرف در کن

دوم ستایب تحقیق رسید که قرار گرفت

چلهه میداد،

اما داده شد و از طرف ای این اتفاقه شدند و از طرف مدنون

مشه ل ظافت کانه کرد: یعنی تابعی فرداصیع همه چیز حاضر باشد.

دو هاسته شد زن و شوهر حساب بخر و دخل را کردند و خواب فروختند ولی دنیا الباب

شید و متواں هر دو را سراسیه بطری فرستاد. صد اخیلی مضری بانه و غیر منتظر بود

- خان کارل باعضاً بسته بفیاضه که از طرف این شیخ مبالغی بول برداخته و

بایشید و لامیرسته،

اما داده شد و از طرف ای این اتفاقه شدند و از طرف مدنون

مشه ل ظافت کانه کرد: یعنی تابعی فرداصیع همه چیز حاضر باشد.

دو هاسته شد زن و شوهر حساب بخر و دخل را کردند و خواب فروختند ولی دنیا الباب

شید و متواں هر دو را سراسیه بطری فرستاد. صد اخیلی مضری بانه و غیر منتظر بود

- خان کارل باعضاً بسته بفیاضه که از طرف این شیخ مبالغی بول برداخته و

بایشید و لامیرسته،

اما داده شد و از طرف ای این اتفاقه شدند و از طرف مدنون

مشه ل ظافت کانه کرد: یعنی تابعی فرداصیع همه چیز حاضر باشد.

دو هاسته شد زن و شوهر حساب بخر و دخل را کردند و خواب فروختند ولی دنیا الباب

شید و متواں هر دو را سراسیه بطری فرستاد. صد اخیلی مضری بانه و غیر منتظر بود

- خان کارل باعضاً بسته بفیاضه که از طرف این شیخ مبالغی بول برداخته و

بایشید و لامیرسته،

اما داده شد و از طرف ای این اتفاقه شدند و از طرف مدنون

مشه ل ظافت کانه کرد: یعنی تابعی فرداصیع همه چیز حاضر باشد.

دو هاسته شد زن و شوهر حساب بخر و دخل را کردند و خواب فروختند ولی دنیا الباب

شید و متواں هر دو را سراسیه بطری فرستاد. صد اخیلی مضری بانه و غیر منتظر بود

- خان کارل باعضاً بسته بفیاضه که از طرف این شیخ مبالغی بول برداخته و

بایشید و لامیرسته،

اما داده شد و از طرف ای این اتفاقه شدند و از طرف مدنون

مشه ل ظافت کانه کرد: یعنی تابعی فرداصیع همه چیز حاضر باشد.

دو هاسته شد زن و شوهر حساب بخر و دخل را کردند و خواب فروختند ولی دنیا الباب

شید و متواں هر دو را سراسیه بطری فرستاد. صد اخیلی مضری بانه و غیر منتظر بود

- خان کارل باعضاً بسته بفیاضه که از طرف این شیخ مبالغی بول برداخته و

بایشید و لامیرسته،

اما داده شد و از طرف ای این اتفاقه شدند و از طرف مدنون

مشه ل ظافت کانه کرد: یعنی تابعی فرداصیع همه چیز حاضر باشد.

دو هاسته شد زن و شوهر حساب بخر و دخل را کردند و خواب فروختند ولی دنیا الباب

شید و متواں هر دو را سراسیه بطری فرستاد. صد اخیلی مضری بانه و غیر منتظر بود

- خان کارل باعضاً بسته بفیاضه که از طرف این شیخ مبالغی بول برداخته و

بایشید و لامیرسته،

اما داده شد و از طرف ای این اتفاقه شدند و از طرف مدنون

مشه ل ظافت کانه کرد: یعنی تابعی فرداصیع همه چیز حاضر باشد.

دو هاسته شد زن و شوهر حساب بخر و دخل را کردند و خواب فروختند ولی دنیا الباب

شید و متواں هر دو را سراسیه بطری فرستاد. صد اخیلی مضری بانه و غیر منتظر بود

- خان کارل باعضاً بسته بفیاضه که از طرف این شیخ مبالغی بول برداخته و

بایشید و لامیرسته،

اما داده شد و از طرف ای این اتفاقه شدند و از طرف مدنون

مشه ل ظافت کانه کرد: یعنی تابعی فرداصیع همه چیز حاضر باشد.

دو هاسته شد زن و شوهر حساب بخر و دخل را کردند و خواب فروختند ولی دنیا الباب

شید و متواں هر دو را سراسیه بطری فرستاد. صد اخیلی مضری بانه و غیر منتظر بود

- خان کارل باعضاً بسته بفیاضه که از طرف این شیخ مبالغی بول برداخته و

بایشید و لامیرسته،

اما داده شد و از طرف ای این اتفاقه شدند و از طرف مدنون

مشه ل ظافت کانه کرد: یعنی تابعی فرداصیع همه چیز حاضر باشد.

دو هاسته شد زن و شوهر حساب بخر و دخل را کردند و خواب فروختند ولی دنیا الباب

شید و متواں هر دو را سراسیه بطری فرستاد. صد اخیلی مضری بانه و غیر منتظر بود

- خان کارل باعضاً بسته بفیاضه که از طرف این شیخ مبالغی بول برداخته و

بایشید و لامیرسته،

اما داده شد و از طرف ای این اتفاقه شدند و از طرف مدنون

مشه ل ظافت کانه کرد: یعنی تابعی فرداصیع همه چیز حاضر باشد.

دو هاسته شد زن و شوهر حساب بخر و دخل را کردند و خواب فروختند ولی دنیا الباب

شید و متواں هر دو را سراسیه بطری فرستاد. صد اخیلی مضری بانه و غیر منتظر بود

- خان کارل باعضاً بسته بفیاضه که از طرف این شیخ مبالغی بول برداخته و

بایشید و لامیرسته،

اما داده شد و از طرف ای این اتفاقه شدند و از طرف مدنون

مشه ل ظافت کانه کرد: یعنی تابعی فرداصیع همه چیز حاضر باشد.

دو هاسته شد زن و شوهر حساب بخر و دخل را کردند و خواب فروختند ولی دنیا الباب

شید و متواں هر دو را سراسیه بطری ف

